

## اول ماه مه ۸۹، طلایه دخالت طبقه کارگر در سرنوشت جنبش اعتراضی مردم



۱۲ اردیبهشت ۸۹، ۲ مه ۲۰۱۰

با درود فراوان به همه فعالین و تشکلهای کارگری، که با درایت و کاردانی خود، اول ماه مه ۸۹ را به سکویی برای ابراز وجود طبقه کارگر در جامعه و برداشتن گامهایی برای دخالت در سرنوشت جنبش اعتراضی مردم تبدیل کردند.

شکی نیست بدون حضور جنبش توده ای مردم در یکسال گذشته و تضعیف و ذلیل شدن جمهوری اسلامی توسط این جنبش و وجود تحرک توده ای در جامعه، امکان سازمان دادن اول ماه مه به شکل کنونی ممکن نبود و این را بهتر از هر کسی فعالین کارگری که حرکت اول ماه مه امسال را سازمان داده اند درک میکنند.

امسال اول ماه مه، روز جهانی کارگر در شکل نسبتا گسترده ای در ایران برگزار شد. چیزی که اول ماه امسال را از همه اول ماه مه های ۳۰ سال گذشته پس از سرکوبی دهه ۶۰ جدا میکند، اول: شرکت توده های وسیع تری از کارگران و مردم در مراسمها است. تاکنون شرکت کنندگان مراسمهای مستقل اول ماه مه عموما از فعالین کارگری و سوسیالیست تشکیل میشده است، اما امسال مسئله عوض شده است و توده های کارگر و مردم و دانشجویان به طور وسیع در مراسمهای مختلف شرکت جستند و این اول ماه مه ۸۹ را به یک جنبش توده ای بدل ساخت. و دوم: مسئله دخالت طبقه کارگر در سرنوشت جنبش توده ای اعتراضی در عمل طرح شده است.

در اول ماه مه ۸۹، تهران مهر اصلی را بر کل حرکت اول ماه مه کوبید و به آن شکل و شمایل ویژه بخشید. و این نه تنها به خاطر جایگاه ویژه اعتراضات در تهران و رویارویی کارگران و مردم با نیروهای سرکوبگر رژیم، بلکه بدلیل ابتکار خاص و ویژه برگزارکنندگان مراسم تهران نیز بوده است که با درک درست از شرایط سیاسی دست به ابتکار تاکتیکی بسیار به جایی زدند. فراخوان شورای برگزار کننده مراسم اول ماه مه موجب تمرکز اذهان و نیروها بر سر برگزاری اول ماه مه در کل کشور و بطور مشخص در مقابل ساختمان وزارت کار و خیابانهای مشخص در تهران شد. شورای برگزاری نشان داد که میتواند برای فراخوانش نیرو بسیج کند.

فراخوان شورای برگزاری در تحرکات ماه مه در شهرستانها نیز بی اثر نبوده است. به جز شهرهای کردستان و بخصوص سنندج که سنت برگزاری اول ماه مه دارد، تحرک در بقیه شهرها بطور غیر مستقیم تحت تاثیر فضای فراخوان اول ماه مه در تهران قرار داشته است و بدون فراخوان علنی و خیابانی در تهران بعید است تحرکی در شهرستانها واقع میشد.

در روز اول ماه مه امسال نه تنها خواسته‌های مطالباتی کارگران طرح شد، بلکه شعارهای عمومی و سیاسی روز طبقه کارگر و مردم در خیابانها و محله‌های کار و دانشگاهها طنین انداز شد. حتی در آنجایی که خانه کارگرها و نیروهای رژیم کارگرانی را برای نمایش جمع کرده بودند، اعتراض کارگران نمایش رژیم را به ضد خود بدل ساخت.

در تهران و شهرستانها علاوه بر تمرکز نیروهای وسیع نظامی برای سرکوب و دستگیری، مراسمهای اول ماه مه برگزار شد. در تهران علاوه بر اینک نیروهای نظامی در اطراف ساختمان وزارت کار و همه خیابانهایی که شورای برگزار کننده مراسم اول ماه مه برای راهپیمایی تعیین کرده بود حضور بسیار گسترده داشتند و پلیس و نیروهای وزارت اطلاعات به شکل کور به مردم در پیاده روها حمله میکردند و آنها را دستگیر مینمودند، راهپیمایی در خیابانهای مزبور برگزار شد. کارگران و مردم با شعارهای صنفی و سیاسی که در راس آنها شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "زنده باد کارگر"، "کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد" قرار داشت راه پیمایی خود را بر پا کردند. از اینکه در این جو وحشت و ارباب و دستگیری و شکنجه این مراسم با شرکت هزاران نفر از کارگران و مردم برگزار شد، نشان از توان بالای قدرت اعتراضی کارگران و مردم در جامعه دارد.

در قزوین ۸ هزار نفر از کارگران در تجمعی به اخراج و دیگر مشکلاتشان اعتراض کردند. در اصفهان تظاهرات کارگران و مردم در نقاط مختلف شهر به درگیری با نیروهای نظامی کشیده شد. در تبریز، اهواز، سنندج و بسیاری از شهرهای دیگر مراسمهای اول ماه با تجمعات بزرگ و کوچک اعتراضی کارگران برگزار شد.

مراسمهای روز اول ماه مه در دانشگاهها و بخصوص دانشگاههای تهران که با تظاهراتهای گسترده و شعارهای سیاسی "مرگ بر دیکتاتور" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد" برگزار شد، به دلیل جایگاه ویژه دانشگاهها در مبارزات توده ای مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تداعی شدن اعتراض دانشجویی با روز کارگر و اساسا برگزاری مراسم اول ماه مه در دانشگاه، آنها را در این شکل توده ای، به معنای پذیرش تئوریت چپ در دانشگاهها در روز اول ماه مه است. روشن است که بدون ابتکار برگزاری تظاهرات خیابانی، چنین حرکتی در دانشگاهها ممکن نبوده و اتفاق نمیافتاد. به این معنی این حرکتها مستقیما با فراخوان بخش پیشرو و سوسیالیست کارگران عملی گردیده است. حرکت دانشجویان در روز کارگر همچنین دانشجویان چپ و سوسیالیست را در موقعیت بسیار مناسبتری نسبت به قبل برای قرار گرفتن در سطح رهبری اعتراضات در دانشگاه قرار داده است.

بدون اینکه دچار اغراق شویم میشود ادعا کرد که: اول ماه مه ۸۹ گواه این است که وزن کارگر و چپ در جامعه ایران قوی است و این نیرو میتواند در راس مبارزات توده ای مردم برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد. اول ماه مه نه تنها عملی شدن این چشم انداز را نشان داد، بلکه اگر به خود روز اول ماه مه نگاه کنیم، میتوانیم ببینیم که امکان فراهم ساختن شرائطی که جنبش اعتراضی مردم زیر تئوریت جنبش کارگری قرار بگیرد وجود دارد. اول ماه مه نشان داد حتی زمانی که کارگران با حرکت اعتصابی مستقل خود در سطح وسیع به میدان نیامده اند، امکان تامین رهبری چپ بر جنبش توده ای اعتراضی مردم از طرف بخش پیشرو طبقه کارگر وجود دارد و این نه تنها بمیدان آمدن توده ای کارگران را تامین میسازد، بلکه حتی از قبل امکان پیشروی جنبش توده ای مردم بر علیه رژیم را با افق چپ، که لازمه پیشروی و پیروزی مردم است، تامین میکند.

پیشرویهایی بیشتر طبقه کارگر ایران و قرار گرفتن آن در راس مبارزات توده ای جاری بیش از همه به روشن بینی بخش پیشرو و سوسیالیست آن و اتحاد همه کارگران پیشرو و رادیکال گره خورده است. این روشن بینی و اتحاد نه تنها میتواند بر معضل تشکل یابی کارگران به سرعت غلبه کند، بلکه پیشروان طبقه کارگر میتوانند در تشکلهای کمیته های خود که امکان کارائی بسیار قوی در شرائط کنونی دارند، دست به بسیج گسترده کارگران و مردم بزنند و در همین مسیر تشکل یابی توده ای کارگران را نیز میسر سازند. ابتکار شورای برگزاری مراسم اول ماه مه برای بسیج کارگران و مردم برای روز اول ماه مه، خود یک نمونه روشن از این نوع کار است. این حرکت بر این درک غلط غلبه کرده است که گویا به میدان آمدن طبقه کارگر در شرائط کنونی قبل از هر چیز در گرو ایجاد تشکل

توده ای است. معلوم شد که یک کمیته از کارگران پیشرو که واقعا فعالین آن صاحب نفوذ نسبی در میان کارگران و دارای ابتکار و درایت نیز باشند، میتواند در شرایط کنونی از تشکلهای علنی و توده ای کارآئی بیشتری داشته باشد. این به معنی کم رنگ کردن تلاش برای ایجاد تشکل توده ای نیست، بلکه تاکید بر اهمیت و کارآئی اشکال خاصی از سازماندهی بخصوص در شرایط متحول سیاسی امروز است. حرکت کارگران در انقلاب ۵۷ نمونه ارزنده ای از مسیر حرکت جنبش کارگری در شرایط اختناق و شرایط تحول انقلابی را بدست داده است. آن تجربیات باید بیشتر مورد رجوع قرار گیرند.

اول ماه مه ۸۹ به کارگران پیشرو میگوید برای پیشروی طبقه و برای قرار گرفتن آن در راس جنبش اعتراضی مردم، قبل از هر چیز باید پیشروترین کارگران به سوی متشکل کردن فعالین کارگری و پیشروان آن بروند. تشکیل کمیته ها و هسته هائی در اشکال مختلف علنی و غیر علنی در محلهای کار و سکونت کارگران که دارای ارتباط گسترده با توده کارگران و مردم هستند، میتواند نه تنها جنبش کارگری را صاحب سر کند، بلکه این جنبش را به قدرت اصلی در جامعه تبدیل سازد. چنین تشکلهایی میتوانند مانند اول ماه مه دست به بسیج توده ای وسیع کارگران و مردم بزنند و در شرایط مناسبتری از توازن قوا تشکلهای توده ای پایدارتر کارگری را نیز شکل دهند. یک راه اساسی تامین رهبری کارگری بر جنبش توده ای اعتراضی مردم و تحقق هدف آن یعنی نابودی رژیم اسلامی، همین است.

باید توجه داشت که در شرایط سیاسی امروز، کاری که قبلا دهه ها طول میکشید در عرض چند روز صورت میگیرد، و تلاش فعالین کارگری و سوسیالیست هم مانند همه چیز ضربدر صد و هزار میشود. از این نظر تامین یک رهبری سوسیالیست و رادیکال کارگری میتواند به سرعت اتفاق افتد، اگر فعالین کارگری و سوسیالیستها شرایط سیاسی روز و وظائف خود را نسبتا خوب درک کرده باشند.

اول ماه مه ۸۹ بیش از هر چیز و به عنوان یک نمونه مشخص عملی، چشم انداز قرار گرفتن طبقه کارگر در راس جنبش اعتراضی مردم و راههای عملی ساختن آن را در عمل به فعالین کارگری و سوسیالیست نشان داد.